

مقدمه:

می‌باشد. به بیان دیگر قانون و امنیت دوروی يك سکه‌اند که رابطه‌ای اجباری دارند و بدون وجود یکی نمی‌توان انتظار تحقق دیگری را داشت.

مفهوم امنیت

با وجود برخی شباهتهای مفهومی میان مقوله امنیت در کشورهای مختلف، به قول رابرت ماندل «امنیت به لحاظ مفهومی چهره‌ای متغیر دارد. از همین رو ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید، و اتحادهاست» (ماندل، ۱۳۷۷: ۲۲). اصولاً امنیت يك پدیده ادراکی و احساسی است. یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد. اما تعیین درجه و مرتبه‌ای از امنیت که در يك جامعه مورد نیاز می‌باشد، ممکن نیست. در قرآن کریم توجه به امنیت در سطوح و ابعاد مختلف دیده می‌شود. قرآن مجید بیشترین رسالت و نقش خود را در زمینه امنیت روحی و معنوی دانسته است. قرآن کریم همچنین به ایمنی عمومی سرزمین و امنیت جان و مال و حیثیت افراد جامعه و نیز امنیت در سطح بین‌المللی اهمیت داده است. هر گاه قرآن کریم از امنیت اجتماعی يك جامعه یاد کرده بیدرنگ از شاخصهای توسعه نظیر فراوانی تولید کالاها، گسترش ارتباطات، پیشرفت علوم و فنون، مسکن و شهرسازی و آسایش و رفاه سخن گفته است. انبیاء نیز به امنیت، عدالت، معرفت، فضیلت، معنویت و حقیقت در زندگی اجتماعی توجه و آفری داشته و همه اینها از مینه‌های رستگاری و سعادت انسان دانسته‌اند. ریشه‌واژه امنیت نیز امن می‌باشد که باریشه‌واژه ایمان یکسان است.

مفهومی که به معنای نظم و امنیت در کلام آگوستین به عنوان نمونه تفکر مسیحی نزدیک است مفهوم صلح است. در دین مسیحیت امنیت مساوی با برقراری صلح و آرامش است. امنیت در مفهوم و گستره ملی يك عنصر تجزیه‌ناپذیر است. یعنی وقتی کشوری در يك نقطه از سرزمین خود فاقد امنیت است، این ناامنی در تمام دیگر شئون و ارکان کشور تأثیر می‌گذارد. برای نمونه نمی‌توان قبول کرد که کشوری مدعی امنیت داخلی باشد و

با مروری بر تاریخ جوامع در می‌یابیم که امنیت همواره یکی از مسائل اساسی و حیاتی آنها بوده است. جوامع همواره با دو گونه تهدید روبرو بوده‌اند: ۱- تهدید از بیرون ۲- تهدید از درون. دشمنان خارجی و هرج و مرج طلبها همیشه تهدیدهای بالقوه‌ای بوده‌اند که آرامش و ثبات جامعه را در معرض خطر قرار داده‌اند. بدیهی است این خطرهای بالقوه و همیشگی، حکومتها و دولت‌ها را بر آن داشته تا برای استقرار نظم و ثبات، بیش از هر چیز به مسئله امنیت و راه‌های استقرار آن در جامعه بیندیشند.

«امروزه بحران دولت در کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم، جزء لاینفک تهدیدهای امنیتی گسترده‌ای است که فراروی آنها قرار دارد. نبود اتفاق نظر پایدار در باره هویت و ماهیت ملت-کشور، فقدان درك ضمانت‌شده و مؤثر از جامعه مدنی، مبهم بودن تمایز میان دولت و رژیم، ضعف مدیریت و گرایش شدید به تمرکز تصمیم‌گیری در دست گروهی کوچک، به همراه توسعه نیافتگی زیربنایی، وجود شکافهای اجتماعی و نژادی، بی‌ثباتی سیاسی و نفوذپذیری اغلب نظامهای اقتصادی و اجتماعی، و جوه مختلف این بحران را تشکیل می‌دهد و در پیوند با یکدیگر مسئله «امنیت» را برای کشورهای توسعه نیافته به پدیده‌ای بسیار پیچیده مبدل می‌سازد» (سابق، ۱۳۷۶).

به نظر می‌رسد بعد از جنگ جهانی دوم با ایجاد نهادهای دموکراتیک مانند مجلس، انتخابات، شوراهای شهری و محلی و امثال آن به عنوان نمودهای عینی از قانون و قانون‌گرایی، استقرار امنیت و ثبات اجتماعی بر پایه مشارکت همه جانبه و جدی مردم در سرنوشت جامعه خویش امکان‌پذیر شده است. در کشور ما گرگونی ساختار سیاسی، اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و حضور و مشارکت جدی مردم در سرنوشت جامعه خویش بویژه پس از انقلاب اسلامی، لزوم پرداختن به مسئله امنیت و ثبات اجتماعی و بازنگری در اندیشه استقرار نظم را بیش از پیش در جامعه کنونی ضروری می‌سازد.

هدف از مقاله حاضر، بیان رابطه امنیت با قانون و قانون‌گرایی در جامعه است. به نظر می‌رسد که امنیت و استقرار آن در جامعه یکی از شرایط اساسی تحقق قانون، قانون‌گرایی، جامعه مدنی و آزادی

نقش امنیت در تحقق قانون‌گرایی در جامعه

غلامرضا خوش‌فر

عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

تاریخ اندیشه‌ها و تفکرات فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی نیز نشان می‌دهد که توجه به امنیت و قانون برای تحقق عدالت اجتماعی از محورهای اساسی اندیشه‌های اجتماعی آنان بوده است که به عنوان نمونه به اختصار نظرات چند تن از متقدمین در این زمینه را مرور می‌کنیم.

سولون (Solon) (تولد ۶۴۰ قبل از میلاد) یکی از پایه‌گذاران حقوق و سازمانهای دموکراتیک در یونان در زمانه اولین کسانی است که ضمن اصلاح قانون اساسی دموکراتیک، خواستار عدالت اجتماعی در کشور یونان شدند.

فیثاغورث مرد داستانی فلسفه، ریاضی، موسیقی و سیاست پس از سفر به مصر، ایران و هند جمعیتی سیاسی تشکیل داد و زمینه‌بر خورده آراء و عقاید را شش قرن قبل از میلاد مسیح هموار کرد. او آزادی و احترام را برای مردم طلب نمود و به پیمان اجتماعی افراد جامعه تأکید بسیار کرد.

افلاطون (تولد ۴۲۸ قبل از میلاد) در آثار متعدد خود بویژه در کتاب «سیاست» معروف به جمهوری و کتاب «نومیس» معروف به قوانین خواهان جامعه‌ای آرمانی (مدینه‌ای فاضله) است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. او معتقد بود که نباید گذاشت چه در فرد و چه در جامعه یکی از قوای دیگری پیشی گیرد زیرا هم در فرد و هم در جامعه تزلزل و انحطاط به بار خواهد آمد و امنیت ناپدید خواهد شد. لذا برای تضمین امنیت اجتماعی و رفاه باید به سلاح علم و حکومت مجهز شد.

ارسطو (تولد ۳۴۸ قبل از میلاد) خواستار نظم، آرامش، امنیت و وضع قوانین معتدل در جامعه بود و معتقد بود که سوداگری، پول پرستی و افراط در ثروت مندی، فرزندان ناشایست بر جای می‌نهند و اصلاح، بازسازی و امنیت را از بین می‌برند.

سنت آگوستین (تولد ۴۳۰ میلادی) در کتاب «شهر خدا» هر گونه امتیازات نژادی، طبقاتی و نابرابریهای اقتصادی را مردود شمرد و گفت هر جا عدالت باشد، قانون لازم نیست زیرا عدالت خود، کار قانون را می‌کند.

توماس هابز (تولد ۱۵۸۸ میلادی)، عقیده داشت منشأ ظهور دولت و حکومت نوعی توافق عامه مردم است. قبل از تشکیل حکومت، تجاوز به حقوق انسان‌ها بی‌پایان می‌گردد تا اینکه بشر ناگزیر دست به دامن «لویاتان» (نام جانور غول‌پیکر و

لیکن فرضاً یک استان و یا یک شهر یا بندر آن در اشغال نیروهای بیگانه یا مورد تهدید خارجی مستمر یک دولت بیگانه باشد.

تعیین مرزهای سیاسی، استقرار نیروهای مرزی، هوایی و دریایی برای پیشگیری از حملات و تجاوزات به حریم یک کشور همه در جهت پیشگیری از شریطی است که امنیت یک کشور را به مخاطره می‌اندازد.

اگر بخواهیم امنیت را در سطح ملی تعریف کنیم باید بگوئیم که امنیت ملی عبارت است از «دستیابی به شریطی که کشور از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و داخلی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان در امان باشد و در جهت پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و رفاه عامه مردم خویش بدون دخالت و تسلط دیگران حرکت نماید» (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴). اگر بخواهیم مفهوم امنیت را با نقیض آن یعنی ناامنی تعریف و تعیین نماییم باید بگوئیم که «ناامنی، حالات یا موقعیتهایی هستند که نظم، انسجام و آرامش جامعه را برهم می‌زنند» (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۳).

مروری کوتاه بر تاریخچه توجه به امنیت

مقوله «امنیت»، قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. در طول تاریخ جامعه‌ای را سراغ نداریم که دیر زمانی فارغ از دغدغه و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشد.

نخستین مباحث فلسفی و سیاسی در این عرصه را شاید بتوان در گفت‌وگوهای فلاسفه‌ای چون «افلاطون» و «ارسطو» یافت. این اندیشمندان بر ایجاد و حفظ امنیت به مثابه یکی از اهداف و وظایف حکومت اصرار می‌ورزیدند. ارسطو بطور تلویحی و افلاطون با تأکید، «عدالت» را به عنوان بنیادی ترین وسیله و ابزار حکومتی جهت نیل به امنیت معرفی کرده‌اند.

چند قرن بعد، نظریه پردازان عصر روشنگری، از جمله هابز، لاک، روسو، و منتسکیو در گفت‌وگوهای فلسفی-سیاسی خود به مفهوم امنیت، منزلتی رفیع تر بخشیدند.

به نظر هابز مردم به ایجاد و تأسیس حکومت از آن رو علاقه مندند که آنها را در مقابل تجاوز خارجی و صدمه‌ای که بر دیگری مصون و محفوظ می‌نماید (هابز، ۱۹۷۲: ۲۷۵).

● امنیت و استقرار آن در جامعه، یکی از شرایط اساسی تحقق قانون، قانون‌گرایی، جامعه مدنی و آزادی می‌باشد.

● قانون و امنیت دو روی یک سکه‌اند که رابطه ایجابی دارند و بدون وجود یکی نمی‌توان انتظار تحقق دیگری را داشت.

افسانه‌ای دریایی معروف در فنیقیه که هابز برای اشاره به دولت برگزیده است) شد تا ایمنی و امنیت را برقرار سازد و از تجاوز به حقوق ضعیفان جلوگیری کند. (آراسته خو، ۱۳۷۴: ۱۰۹).

سایر فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی از عهد باستان تا قرن هجدهم میلادی از جمله سقراط (۴۷۰ ق.م)، پریکلز (۴۹۵ ق.م)، سیسرون (۱۰۶ ق.م)، جان لاک (۱۶۳۲ میلادی)، توماس کامپانلا (۱۵۶۸ میلادی) و... هر یک به نحوی از انحاء استقرار امنیت و تضمین آن از جانب حکومتها را برای تحقق عدالت و اجرای قوانین ضروری دانسته‌اند.

گونه‌های امنیت

امنیت در داخل جامعه در سطوح مختلف مطرح است. از فرد تا خانواده، قبیله، شهر، جامعه ملی و بالاخره نظام جهانی، در هر سطح موضوع امنیت به طریقی مطرح نظر قرار می‌گیرد. برای نمونه، فرد در چارچوب یک خانواده تنها هنگامی می‌تواند برای زندگی آینده خود برنامه‌ریزی کند که دارای امنیت جانی، مالی، حقوقی، قضایی و غیره باشد. در غیر این صورت او بایستی همواره تمام هم و غم خویش را صرف مصون ماندن خود و خانواده‌اش از گزند آفات و صدمات محیط کند، ولی با وجود امنیت او قادر خواهد بود از امکانات بالقوه خود برای رفاه و زیست بهتر استفاده کند. در سطوح بالاتر مانند قبیله، روستا، شهر و کشور نیز این مسئله صدق می‌کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۷).

اگر امنیت را بر حسب حوزه‌های عمده اجتماع بررسی نمائیم، انواع امنیت به قرار زیر است:

۱- امنیت سیاسی: هر کس حق دارد در سر نوشت خود که متأثر از سر نوشت جامعه است دخالت کند و هیچکس را نمی‌توان به داشتن باور سیاسی خاصی وادار کرد یا از باور سیاسی خاصی باز داشت.

۲- امنیت قضایی: احترام و التزام به قانون از نخستین شرایط قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است. برنامه‌ریزی‌های دراز مدت به منظور فراهم‌سازی امکان تحول و رشد، تنها در جایی میسر است که قانون، نظم، امنیت، اثبات و امید به آینده و اعتماد متقابل حکمفرما باشد. بدیهی است که وجود قوه قضائیه توانمند و سالم از

لوازم اولیه تحقق امنیت قضایی است.

۳- امنیت اداری: منظور از امنیت اداری، امنیت شغلی و اهمیت شأن فردی است. امنیت شغلی یعنی اینکه هر کس بتواند کار شایسته‌ای داشته باشد و هیچکس را نتوان از شغل دلخواهی که شایستگی آن را دارد منع کرد، مگر آنکه در اثر آن ضرر و زیانی به خودش یا به جامعه وارد آید. امنیت شأن فردی، احترام به مقام و منزلت اجتماعی هر فرد است.

۴- امنیت فرهنگی: انسانها زبان، گویش، نژاد، هنر، سلیقه و بینشهای متفاوت دارند و این تفاوتها اختلافات به نص صریح قرآن کریم برای شناخت و شناساندن است و هیچ امتیاز یا عدم امتیازی به شمار نمی‌آید و تنها امتیاز انسانها در نزد خداوند درجه تقوی و پرهیز کاری آنهاست. بنابر این بایستی خاک، خون، آداب، سنن، زبان و مذهب همه افراد جامعه محترم شمرده شود و تازمانی که سلیقه‌ها و عقیده‌های خاصی موجب زیان دیگران نشده است با مزاحمتی روبرو نگردد. (نو نژاد، ۱۳۷۷: ۱۲).

۵- امنیت اقتصادی: تعیین سیاستهای کلی در بخش امنیت اقتصادی جامعه و نهادی نمودن الگوهای عملی رفتار (هنجارها) در این زمینه یکی از مسائل اساسی جامعه به شمار می‌رود. امروزه امنیت اقتصادی بیش از گذشته ظریف و حساس شده است بطوری که اگر قواعد و قوانینی در این زمینه تعیین و وضع نشود، ضمن رواج هرج و مرج و بحران، شاهد از بین رفتن امنیت در این حوزه خواهیم بود و بدون تردید سرمایه، ثروت، تولید و کار آفرینی در جامعه تهدید خواهد شد.

ساختار اجتماعی و امنیت

برای برقراری نظم و امنیت در هر جامعه نیاز به ساختاری است که در آن حداقل عناصری چون عدالت اجتماعی، تأمین رفاه اجتماعی، اشتغال، عدم استبداد، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، عدم اختلال اجتماعی، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان، سازگاری اجتماعی، نظامی باز و واقعی و... وجود داشته باشد (نو نژاد، ۱۳۷۷: ۱۲).

هدف اساسی توسعه اجتماعی استقرار نظم اجتماعی است، نظامی که حداقل دارای چهار ویژگی باشد: ۱- فراگیر باشد ۲- همدلانه باشد ۳- عادلانه باشد ۴- پویا باشد (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۶).

حال اگر قصد مقایسه داشته باشیم باید موارد نقض قانون و از بین بردن امنیت عمومی جامعه را در حال حاضر در کشور خودمان بررسی کنیم.

قانون مجازات اسلامی، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده به عنوان مواردی که امنیت عمومی جامعه را مخدوش می کند در تاریخ ۷۵/۳/۲ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۷۵/۳/۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است که عنوان فصول بیست و پنج گانه آن فهرست وار عبارتند از:

۱- جرائم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور؛

۲- اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی؛

۳- سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی؛

۴- تهیه و ترویج سکه قلب (تقلبی)؛

۵- جعل و تزویر؛

۶- محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته ها از اماکن دولتی؛

۷- فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین؛

۸- غصب عناوین و مشاغل؛

۹- تخریب اموال تاریخی - فرهنگی؛

۱۰- تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی؛

۱۱- ارتشاء و ربا و کلاهبرداری؛

۱۲- امتناع از انجام وظایف قانونی؛

۱۳- تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت؛

۱۴- تمرد نسبت به مأمورین دولت؛

۱۵- هتک حرمت اشخاص؛

۱۶- اجتماع و تباہی برای ارتکاب جرم؛

۱۷- جرائم علیه اشخاص و اطفال؛

۱۸- جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی؛

۱۹- قسم و شهادت دروغ و افشاء سر؛

۲۰- سرقت و ربودن مال غیر؛

۲۱- جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی؛

۲۲- تهدید و اکراه؛

۲۳- ورشکستگی؛

۲۴- خیانت در امانت؛

۲۵- احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات

(ضمیمه روزنامه رسمی، شماره ۶۳۴، ص ۱۸۹).

مقایسه دعاوی ناقض امنیت اجتماعی در ۳۸۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) با جرایم علیه امنیت عمومی در کشورمان در حال حاضر نشان می دهد که پس از گذشت ۲۳۸۰ سال تغییر

هر گونه اختلال در نظم اجتماعی باعث تضعیف احترام متقابل اجتماعی و هویت اجتماعی می گردد. عدم تعمیم احترام متقابل اجتماعی و انصاف اجتماعی در عرصه روابط اجتماعی، حقوق و آزادی اکثریت را محدود می کند و به محض محدود شدن آزادی و حقوق در جامعه امنیت تهدید می شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۶).

بدین ترتیب هر گونه اختلالی که در نظم اجتماعی ایجاد شود، بالطبع موجب تضعیف قانون و تهدید امنیت در جامعه می گردد و به طریق اولی هر گونه آسیبی که به قانون، نظم و امنیت در جامعه وارد شود، به توسعه اجتماعی لطمه خواهد زد.

مقایسه موارد نقض امنیت در گذ

شته و حال

ارسطو (۳۸۴ سال قبل از میلاد) در کتاب «اصول حکومت آتن» در سازمان اجتماعی و سیاسی جامعه یونان (آتن) منصبی را به نام تسموتت ها (Thesmothetes) قرار داده بود که به عنوان پاسداران قانون در جامعه آن روز آتن انجام وظیفه می کردند.

یکی از وظایف اساسی پاسداران قانون (تسموتت ها) تنظیم و پیشنهاد پرونده هایی بود که دعای آنها به «امنیت اجتماعی» مربوط می شد. این دعای که ناقض امنیت اجتماعی بودند شامل موارد زیر بود:

- ۱- دعای غصب و تجاوز به حقوق مدنی؛ ۲- دعای کشف فساد (خصوصاً اگر کسی به وسیله رشوه و هدیه و بخشش از چنگ اتهامی قصد فرار داشت)؛ ۳- دعای قاچاق؛ ۴- دعای رشوه خواری؛ ۵- دعای سوء نیت در مورد ثبت نام بدهکاران عمومی؛ ۶- دعای در مورد عدم حضور در دادگاه؛ ۷- دعای در مورد سوء نیت از جهت خط نزدن نام بدهکاری که دین خود را پرداخته بود. ۸- دعای در مورد تزویر و نوشتن نام مدیونی که از ادای دین خویش، خودداری کرده باشد. ۹- دعای مربوط به زنا و فسق (ارسطو، ۱۳۷۰: ۲۲۳).

موارد فوق به عنوان مصادیق نقض قانون و تهدید امنیت عمومی جامعه در اصول حکومت آتن گنجانده شده بود و پاسداران قانون، وظیفه رسیدگی به آنها را داشتند.

● هر جا قرآن کریم از امنیت اجتماعی یاد کرده بیدرنگ از شاخصهای توسعه نظیر فراوانی تولید، گسترش ارتباطات، پیشرفت علوم و فنون، مسکن و شهرسازی، و آسایش و رفاه سخن گفته است.

تضمین شده و فرصتهایی برای خلاقیت و تولید، و برخورداری از حیثیت و منزلت اجتماعی و احترام فردی.

امنیت از شرایط لازم توسعه اقتصادی-اجتماعی در هر کشور به شمار می رود که استقرار آن در هر جامعه رابطه تنگاتنگی با قانون و اجرای قوانین دارد. همچنین امنیت شاخصی از شاخص های توسعه یافتگی به شمار می رود بطوری که با تحولی که در سالهای اخیر در مفهوم قدرت ملی و منافع ملی پدید آمده است، دیگر قدرت دولت منحصر اباً قدرت نظامی سنجیده نمی شود و چنین به نظر می رسد که هر کشور برای تضمین امنیت خارجی ناگزیر است به حد معینی از ثبات سیاسی و امنیت داخلی دست یابد و این مهم نیز خود تا حدود زیادی در گرو توسعه اقتصادی است (کاپشتاین، ۱۳۷۷: ۱۲).

بدین ترتیب عقب ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی در واقع نوعی تهدید امنیتی محسوب می شود زیرا پیامدهای آن موجب تنش و بحران داخلی و زمینه ساز مداخلات خارجی می گردد.

عوامل تهدید کننده امنیت

در معادله امنیت هر کشور مؤلفه ها و متغیرهای زیادی وجود دارد که برخی از آنها ناشی از عوامل محیط و جغرافیا و وضعیت طبیعی کشور، و برخی دیگر متأثر از عوامل بیرونی و درونی می باشد. تهدید علیه امنیت يك کشور را می توان به تهدیدهای خارجی و داخلی تقسیم کرد، ولی تعیین دقیق خارجی یا داخلی بودن برخی تهدیدها بسیار دشوار است زیرا این دو نوع تهدید غالباً با یکدیگر پیوند دارند. تهدیدهای خارجی علیه امنیت عمدتاً شامل: تهاجم نظامی، مداخله نظامی آشکار، توطئه یا دسیسه، براندازی، عملیات پنهان سیاسی و تبلیغات خارجی می گردد. تهدیدهای داخلی که اغلب متوجه کشورها می باشد با عنایت به مسائل امنیت اقتصادی و اجتماعی تعیین و تعریف می شود. از این دیدگاه تهدیدهای داخلی عمدتاً شامل جنگهای چریکی، وابستگی اقتصادی، توسعه نیافتگی سیاسی و بی ثباتی ناشی از آن، اختلافات قومی و مذهبی، و در نهایت فقر و ناآرامی اجتماعی می گردد.

عمده ای که در قوانین مربوط به امنیت اجتماعی رخ داده است، تعدد و تنوع یافتن آنها نسبت به گذشته است به طوری که موارد جرم علیه امنیت اجتماعی که در گذشته نه مور د بوده، در حال حاضر تعداد آنها به ۲۵ فصل و هر فصل شامل موارد جزئی تری می گردد که بر شمردن آنها از حوصله این مقال خارج است.

نکته قابل توجه این است که در حدود ۲۴ قرن پیش منصبی به نام «تسموت» یا پاسدار قانون وجود داشته که عمده ترین و طیفه آن رسیدگی به دعاوی مربوط به امنیت اجتماعی بوده است. یعنی تجاوز به حقوق جامعه ناقض امنیت اجتماعی محسوب می شده است و ناقضان قانون و متخلفان از حقوق مدنی مجازات و مستوجب پیگرد قانونی شناخته می شده اند.

اما به نظر می رسد امروزه به علت پیچیدگیهای زندگی اجتماعی حقوق افراد و امنیت آنان در عرصه های مختلف به خطر می افتد و این تهدید امنیت عمومی جامعه دارای ریشه های متعددی است که از جمله می توان به عواملی نظیر ضعف قانون، قانون گریزی و نهادینه نشدن قانون، آسیبها و انحرافات اجتماعی و بسیاری از عواملی که توسعه و رفاه يك کشور را به خطر می اندازد، اشاره نمود.

امنیت و توسعه اقتصادی

برقراری رابطه درست و معقول میان امنیت و توسعه اقتصادی در يك جامعه سالم، ضروری است. وظیفه دولتها ایجاد امنیت برای مردم در زمینه های مختلف است بگونه ای که بتوانند به توسعه واقعی دست یابند.

بدون امنیت هیچ برنامه ای در داخل کشور قابل اجرایی نیست. شکوفایی اقتصاد کشور، سرمایه گذاری، طرح ریزی برای توسعه و هر گونه فعالیتی که نیاز به زمینه آرام و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه در گرو استقرار امنیت است. در واقع امنیت در زمره اهداف و منافع ارزشهای اصولی و پایدار جامعه است.

توسعه انسانی به معنای گسترش عرصه گزینه های مردم است که مهمترین آنها عبارتند از: برخورداری از عمر طولانی، سالم و بارور، دسترسی به آموزش و پرورش، بهره مندی از سطح زندگی شایسته، بهره مندی از آزادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بهره مندی از حقوق انسانی

● در حدود ۲۴ قرن پیش در حکومت آتن منصبی به نام «پاسداران قانون» وجود داشته که عمده ترین وظیفه آن رسیدگی به دعاوی مربوط به امنیت اجتماعی بوده است.

استقلال فردی وجود نداشته یا محدود باشد، در این صورت نمی‌توان آزادی رایک شبهه برای اعضای آن به ارمغان آورد.

در جوامع معاصر میزان اقتدار واقعی دولت همبستگی مستقیمی با میزان قدرت جامعه مدنی دارد. در عین حال وجود «امنیت» در جامعه مدنی ضامن آزادی خواهد بود و دولت نیز در سایه «امنیت» می‌تواند با مسئولیت‌پذیری و جوابگویی در برابر شهروندان، عملاً اصل آزادی پاسداری نماید.

فهرست منابع و مراجع:

- آراسته خو، محمد: تأمین و رفاه اجتماعی، انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.
- ارسطو: اصول حکومت آن، ترجمه محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- پیمانی، ضیاءالدین: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۷.
- چلبی، مسعود: جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
- روشندل، جلیل: امنیت ملی و نظام بین‌المللی، سمت، تهران، ۱۳۷۴.
- روزنامه اطلاعات شماره‌های ۲۱۴۸۷، ۲۱۴۸۶، ۲۱۴۸۹.
- روزنامه همشهری شماره ۱۷۰۲، ۱۳۷۷/۹/۵.
- سابق، ی: «چالش‌های مطرح برای قوام دولت در کشورهای جهان سوم»، ترجمه مصطفی ایمانی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵، آذر ۱۳۷۶.
- شهیدی، محمدحسن: مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.
- ضمیمه روزنامه رسمی دادگستری جمهوری اسلامی، شماره ۶۳۴.
- طالب، مهدی: تأمین اجتماعی، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸.
- فرستخواه، مقصود: «دین و امنیت»، خلاصه مقالات سمینار توسعه و امنیت عمومی، تالار علامه امینی دانشگاه تهران، ۵۷ اسفند ۱۳۷۵.
- کاپشتاین، اتان بی: «امنیت ملی و توسعه اقتصادی»، ترجمه واحد ترجمه، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، تابستان ۱۳۷۷.
- ماندل، رابرت: چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۷.
- نونزاد، مسعود: «راهی به سوی توسعه پایدار»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال دوازدهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۷.

۱- غلبه بر توسعه نیافتگی: کشورهای توسعه نیافته با تهدید مشترک روبرو هستند که همانا توسعه نیافتگی و وابستگی است. این کشورها در درجه اول باید برای توسعه پایدار برنامه‌ریزی کنند. توسعه نیافتگی خود منبع بسیاری از تهدیدهای دیگر همچون بی‌ثباتی سیاسی، دشواری‌های اجتماعی، درگیری‌های قومی و مذهبی و جز اینهاست. توسعه اقتصادی-اجتماعی خود به خود بسیاری از مسائل را حل می‌کند و سرچشمه اصلی انسجام ملی است (روشندل ۱۳۷۴: ۱۶۲).

۲- توسعه سیاسی: توسعه سیاسی که خود یکی از ابعاد توسعه همه‌جانبه است به معنای گسترش نهادهای مدنی، آزاد شدن فضای سیاسی جامعه، استقرار امنیت برای مشارکت سیاسی و... است. نجات فرهنگ و تمدن خودی از فروپاشی تدریجی، در گرو کشف امکانات و تواناییها و شکوفایی استعدادها و پذیرش تنوع افکار و آراء و سامان دادن دوباره مفاهیم و ارزشهاست، بدان گونه که توانایی و پویایی لازم برای رویارویی با نیازهای پیچیده روزگار کنونی به دست آید (نونزاد، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

خلاصه اینکه لازمه تحقق توسعه سیاسی آشنایی جامعه با حقوق و آزادیهای مدنی نصریح شده در قانون اساسی و به رسمیت شناخته شدن آنها از سوی نهادها و نیروهای سیاسی است. بدینسان بر خورداری از نعمت آزادی موجب وسیعتر شدن حریم امنیت اجتماعی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بانگاهی جامعه شناختی به موضوع امنیت می‌توان گفت که اعتلای امنیت و افزایش آزادی و استقلال نسبی فرد منوط و مشروط به تحقق سه فرایندهای و کم و کیف آنها در جامعه معاصر است. این سه فرایند عبارتند از:

- فرایند جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن به معنای درونی کردن ارزشها؛
 - فرایند نهادینه‌سازی به معنی روند کاهش اختلافات اجتماعی؛
 - فرایند تکوین جامعه مدنی.
- چنانچه در جامعه‌ای خودمختاری (آزادی) و

● رابرت ماندل:
امنیت به لحاظ مفهومی،
چهره‌ای متغیر دارد. از
همین رو، ارائه تعریفی
کامل از امنیت مستلزم
بررسی و تحقیق در مفاهیم
کلیدی چون قدرت،
تهدید، و اتحادهاست.